**زمان سازماندهی است**

**مصاحبه با اصغر کریمی**

**بهروز مهرآبادی:** از دیماه ۹۶ تاکنون تحولات زیادی در فضای سیاسی و اجتماعی ایران رخ داده است. این تحولات چه ویژگی های مشخصی دارند؟

**اصغر کریمی:** در این مورد در نشریات و رسانه های حزب مفصل صبحت شده است. در نتیجه خیلی فشرده به چند نکته مهم این تحولات اشاره میکنم.

خیزش سراسری دی ۹۶ جامعه را وارد فاز کاملا تازه ای کرد. انقلاب در زد، گوشه ای از قدرت خود را نشان داد و بعنوان تنها راه حل جامعه برای خلاصی از این وضع خود را تثبیت کرد. پایان حکومت اسلامی و اصلاح طلبی و هر نوع حکومت مذهبی در خیابان های صدشهر توسط صدها هزار نفر مردم انقلابی اعلام شد. موسسات مذهبی حکومت، صدا و سیما و نیروهای سرکوب آماج خشم و حمله مردم قرار گرفتند. خیزش مردم نه تنها علیه حکومت مذهبی و نهادهای مذهبی و سرکوب و بیحقوقی، بلکه علیه فقر و گرانی و بیکاری و فشارهای اقتصادی بود که زندگی دهها میلیون نفر را به معنی واقعی کلمه فلج کرده است. علیه بیحقوقی زن و حجاب و تبعیضات مختلف بود که خود را بلافاصله در حرکت قدرتمند دختران انقلاب نشان داد. طلیعه انقلاب عظیمی بود که مهر خود را بر همه چیز کوبید و گفتمان انقلاب را به صدر گفتمان ها راند. راه حل انقلابی و چپ در مقابل راه حل های راست و از بالا دست بالا پیدا کرد. طبقه کارگر نقش بازهم بیشتری در اعتراضات ایفا کرد و وزن سیاسی بیشتری در جامعه یافت. انقلابات همیشه علیه کل ارکان حکومت اند و خیزش دیماه نیز همین مشخصات را داشت.

این خیزش را حکومت با سرکوب و دستگیری هزاران نفره عقب راند اما در تمام هشت ماه گذشته مردم به اشکال مختلف به تعرض به حکومت ادامه داده اند. علیه مشکلات آب و برق و دهها معضل ریز و درشت دیگر تعرضی تر از قبل به خیابان آمدند و اعتراض کردند. خیزش های شهری یک مشخصه ایندوره بوده است. اعتصابات سراسری رانندگان کامیونها و اعتصابات و تجمعات سراسری کارگران راه آهن، اعتصاب و تجمعات اعتراضی علیه کشتار کولبران در شهرهای کردستان، اعتراضات قدرتمند کارگری در هفت تپه و فولاد ملی اهواز، گسترش اعتصابات کارگری در سراسر کشور و تعرضی تر شدن آنها و اعتصاب یکپارچه و قدرتمند مردم کردستان علیه اعدام و حمله به نیروهای اپوزیسیون، از جمله اعتراضات شاخص این دوره است که هر کدام در نوع خود تازه و حائز اهمیت بود. تعرضی تر بودن و جسارت بیشتر، سراسری تر بودن، سازمان یافتگی بیشتر، طبقاتی تر و چپ تر شدن، به جلو آمدن طیفی جدید از فعالین کارگری و اجتماعی و عمق و پختگی بیشتر فعالین مشخصات ویژه ای است که در کلیه اعتراضات خود را نشان میدهد. مسیر آینده مبارزه را نیز مشخص میکند. مردم به هر اعتراض خود امروز در چهارچوب سرنگونی نگاه میکنند. روشن است که حکومت نیز برای بقای خود دست به سرکوب میزند تا مرعوب کند اما علیرغم هر میزان دستگیری و اعدام و سرکوب، این دوره پایان یافته است. این حکومت است که مرعوب مردم شده است.

**بهروز مهرآبادی:** شرایط جدید لزوم اتحاذ سیاست های جدید را ضروری می کند. رئوس سیاست حزب در قبال این تحولات چیست؟

**اصغر کریمی:** در پاسخ به این اوضاع، حزب بر سه مساله کلیدی سازمانگرانه، در عرصه جنبش کارگری، مبارزات توده ای و سازماندهی حزبی انگشت گذاشت که هر سه مکمل هم هستند. روی ضرورت اعتصابات سراسری کارگران و شوراهای هماهنگی اعتصابات تمرکز کرد، شوراهای سازماندهی اعتراضات را در دستور گذاشت و بر سازماندهی حزبی و ایجاد واحدهای حزب تاکید کرد. در هر سه زمینه تاکید بر سازماندهی و سازمانگری است. در این دوره همچنین منشور انقلاب را که بیانگر خواست های مهم و فوری مردم است، منتشر کردیم و در عرصه مقابله با حجاب و دفاع از دختران خیابان انقلاب و اعدام، فعالیت سیاسی وسیعتری سازمان دادیم. روشن است که فعالیت حزب به این موارد محدود نبوده است،‌ خواستم اینجا سه محور کار مهم این دوره را توضیح بدهم. شرایط جامعه این سیاست ها را ایجاب میکرد و حزب بدنبال خیزش دیماه با تشخیص درست و بموقع به آن پاسخ داد. سیاست هایی که از زمینه واقعی برخوردار است و جامعه به آنها جواب میدهد و تا هم اکنون جواب داده است.

**بهروز مهرآبادی:** چه بخش هایی از کارگران از زمینه مساعدتری برای اعتصاب سراسری برخوردارند؟‌ در سال ۵۷ اعتصابات کارگری شروع شد و بسرعت در سراسر جامعه گسترش یافت. چه تفاوتی شرایط امروز را با مقطع انقلاب ۵۷ متمایز میکند؟

**اصغر کریمی:‌** اجازه بدهید از نکته آخر سوالتان شروع کنم. شرایط امروز و مقطع ۵۷ تفاوت های بسیار اساسی دارند. در سال ۵۷ با شروع انقلاب و ادامه آن بود که کارگران تنها چند ماه قبل از سرنگونی حکومت،‌ وارد صحنه شدند، اعتصابات را شروع کردند و با گسترش انقلاب و تضعیف حکومت،‌ اعتصابات بسرعت سراسری شد و نقش مهم و اساسی در سرنگونی حکومت ایفا کرد. شوراهای کارگری نیز اساسا بعد از سرنگونی شکل گرفت. طبقه کارگر چنان زیر فشار امنیتی بود که تا نیمه سال ۵۷ توان ایجاد هیچ نوع از سازماندهی بجز محافل پراکنده نداشت. تجربه و پختگی کنونی را نداشت، فاقد رهبران شناخته شده بود و در نتیجه چنین شرایطی خواست های خود را نیز بیان نکرده بود. میبینیم که همه فاکتورها تغییر کرده است. هزاران اعتصاب و تجمع کارگری که هر ساله و در طی سالهای گذشته اتفاق افتاده است به حد کافی تغییراتی که در ذهنیت، سازماندهی، آگاهی،‌ تجربه و روحیه کارگران و رهبران آنها بوجود آمده را نشان میدهد. طبقه کارگر و رهبران کارگری، همان طبقه کارگر سال ۵۷ نیست. اگر در سال ۵۷ طبقه کارگر در پرتو انقلاب توازن قوا را برای حضور خود مساعد دید، اما اینبار این طبقه کارگر است که در شکل دادن به فضای سیاسی کشور نقش مهمی ایفا کرده است. اینبار حزبی سیاسی و کمونیست در میدان است که سال ۵۷ نبود. کارگران با چنین زمینه ای، علیرغم همه فشارهای اقتصادی خردکننده و فشار امنیتی روی آنها و رهبرانشان، گام های مهمی در جهت متشکل شدن برداشته اند.

یک سال و نیم قبل در قطعنامه کنگره دهم تحت عنوان موقعیت ویژه جنبش کارگری گفتیم که طبقه کارگر در آستانه ایجاد تشکلهای توده ای کارگری قرار گرفته و به طرف اعتصابات و اعتراضات سراسری میرود و روی بخش هایی از کارگران که زمینه مساعدتری برای متشکل شدن در سطح سراسری دارند تاکید کردیم. تاکید ما روی معلمان و بازنشستگان و کارگران مراکزی بود که در نقاط مختلف کشور شعبه دارند و جمعیت بزرگی را تشکیل میدهند مانند کارگران برق و آتش نشانی و مخابرات و راه آهن و نفت و ... این بخش ها از توازن قوای مساعدتری برای متشکل شدن در بعد سراسری و دست زدن به اعتصاب سراسری و هر اقدام سراسری دیگری برخوردارند. کنگره تشخیص بسیار واقعی داد. اکنون شاهدیم که اعتصابات سراسری در چنین مراکزی دارد اتفاق می افتد. رانندگان کامیون ها نمونه روشنی از این بخش کارگران هستند که یک جمعیت ۵۰۰ هزار نفره هستند و اعتصابات سراسری و قدرتمند آنها تاثیر قابل توجهی در فضای مبارزاتی جامعه ایجاد کرد. قطعا در یک توازن قوای مساعدتر شاهد اعتصابات منطقه ای و سراسری بسیار قدرتمندتر در مراکزی مانند نفت و آب و برق و راه آهن و مخابرات و همینطور مراکز بزرگ کارگری در سراسر کشور خواهیم بود.

اتفاق مهم دیگری که در ماههای اخیر شروع شده، ایجاد شوراهای کارگری و یا شوراهای هماهنگی اعتصابات است که بسیار حائز اهمیت و الگوی سازماندهی توده ای کارگران است. حزب ما از هیچ تلاشی برای دامن زدن به جنبش شورایی و یا ایجاد شوراهای هماهنگی اعتصابات فروگذار نمیکند. لازم است به نقش بسیار مهم و موثر مدیای اجتماعی نیز اشاره کرد که امروز نقشی اساسی در سازماندهی و شکل دادن به اعتصابات سراسری ایفا میکند.

**بهروز مهرآبادی:** شما در شماره ۷۷۶ انترناسیونال نیز بحثی درمورد شوراهای سازماندهی اعتراضات داشتید و اشاره کردید که این شوراها ابزاری برای هدایت اعتراضات توده ای در شهرها و محلات مختلف هستند. جایگاه این تشکل ها چیست و در شرایط کنونی تا چه زمینه دارد؟‌ آیا توازن قوا در حال حاضر برای ایجاد آنها وجود دارد؟

**اصغر کریمی:** از دیماه ۹۶ اعتراضات وارد نقطه عطف تازه ای شده و در شهرهای مختلف مدام شاهد سر بلند کردن اعتراض بوده ایم. این فضا با توجه به شرایط موجود و رشد نارضایتی مردم و ناتوانی حکومت تشدید میشود و اعتراضات توده ای گسترش بیشتری می یابد. در نتیجه ایجاد تشکل در سطح شهر یا محله از زمینه واقعی برخوردار است. شورای سازماندهی اعتراضات، یا با هر اسمی دیگر، میتواند نقش مهمی در تداوم اعتراض، در جذب نیرو، در اتحاد مردم، در سازمانیافتگی و هدایت درست مبارزات، در طرح شعارها و خواسته های مترقی و پیشرو در بین مردم، مقابله با اختلافات ساختگی میان مردم و جلوگیری از شعارها و تاکتیک های انحرافی و خارج از تناسب داشته باشد. بویژه این عرصه ای است برای سازماندهی نسل جوان زن و مرد که در صف اول اعتراضات حضور دارند، به اشکال مختلف اعتراض میکنند و بسیار طبیعی است که به فکر ظرفی برای جمع آوری نیرو در سطح شهر و سازماندهی و رهبری اعتراضات باشند.

شورای سازماندهی اعتراضات اقدامی است در سطح یک محله یا یک شهر و بر کار محلی تمرکز دارد. لازم به توضیح است که متشکل کردن توده ها اساسا کار فعالین چپ جامعه است. هرچند هر کس با هر گرایشی، اگر سرنگونی طلب باشد، میتواند عضو و فعال شورای سازماندهی اعتراضات بشود، اما هر تشکل توده ای که شکل بگیرد در شرایط کنونی ایران به چپ متمایل میشود حتی اگر در بدو فعالیت چپ نباشد. نتیجتا شکل گیری این شوراها به رشد فضای چپ در جامعه کمک قابل توجهی خواهد کرد و تعداد قابل توجهی از رهبران محلی مورد اعتماد مردم را به جلو صحنه خواهد آورد که در قدم بعدی بتوانند هزاران نفر را رهبری کنند. یک رکن ایجاد و گسترش این شوارها مدیای اجتماعی است که هم ابزار سازماندهی و هم ابزار رابطه فعالین با توده های وسیع مردم در یک شهر یا محله است.

**بهروز مهرآبادی:** حزب فراخوانی در جهت اعمال اراده مستقیم و یا انجام تحرکات تعرضی نظیر نپرداختن هزینه های خدمات را داده است. اینکار در شرایط کنونی چقدر عملی است؟

**اصغر کریمی:** فی الحال تعداد قابل توجهی از مردم قبض ها را نمیپردازند. همین الان یک جمعیت چند میلیونی توان واقعی پرداخت چنین هزینه هایی را ندارند و بسرعت تعداد آنها گسترش می یابد. رژیم هم در شرایطی نیست که جرات کند آب و برق تعداد زیادی از مردم را قطع کند. نپرداختن شهریه برای ثبت نام دانش آموزان نمونه دیگری است که خواست میلیون ها نفر از مردمی است که بدلیل چنین هزینه هایی قادر به فرستادن کودکانشان به مدرسه نیستند. خانواده ها باید در مقابل مدارس تجمع کنند و با همراهی معلمان، مدیران مدارس را وادار به ثبت نام بچه هایشان کنند. به همین ترتیب میتوان از خریدن بلیط اتوبوس های شهری و مترو خودداری کرد و بدون بلیط سوار اتوبوس و مترو شد. یعنی باید خود مردم دست به کار شوند و شروع کنند به این نوع اقدامات. از پرداخت هزینه بیمارستان ها نیز باید خودداری کرد. دوست و آشنای بیماران میتوانند همراه بیمار به بیمارستان بروند و معالجه رایگان او را تحمیل کنند. نپرداختن هزینه خدمات گوشه ای از مشکلات عدیده مردم را کاهش میدهد و از نظر مبارزاتی کمک زیادی به رشد روحیه تعرضی در جامعه میکند و همبستگی عمومی را نیز تقویت میکند. قطعا کارکنان مترو و اتوبوس های شهری و کارکنان آب و برق یا بیمارستان نیز شروع به همراهی با مردم خواهند کرد. سرپیچی از پرداخت این قبض ها با توجه به فضای اعتراضی بالا در جامعه امروز از زمینه واقعی برخوردار است. به موازات این مردم باید قطع هزینه های مربوط به مذهب و کمک به جریانات اسلامی در منطقه و نیروی سرکوب و تسلیحات موشکی و اتمی و غیره نیز که میلیاردها دلار در سال میشود و یا مصادره اموالی که توسط مقامات و آیت الله ها بالاکشیده شده را، در شعارها و بیانیه های خود،‌ در سخنرانی ها و تجمعات خود مطرح کنند و حکومت را از هر نظر تحت فشار قرار دهند و مشروعیت تک تک سیاست ها و اعمال و رفتارش را زیر سوال ببرند.

این عرصه ای است که به همبستگی و تشکل مردم کمک میکند. مبارزه مردم را به سطحی دیگر میکشاند و مردم را در موقعیتی تازه قرار میدهد. ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات از این زاویه نیز ضرورت عاجل تری پیدا میکند. این خواست ها را در اعتصابات و تجمعات اعتراضی باید طرح کرد. طرح خواست های درمان و بهداشت رایگان و تحصیل رایگان که امروز در تجمعات معلمان و بازنشستگان دیده میشود باید به خواست همه تجمعات و اعتصابات تبدیل شود بطوری که آن دهها میلیونی که زیر خط فقر زندگی میکنند، احساس همبستگی بیشتری کنند و جسارت بیشتری از پرداخت هزینه های خدمات سرپیچی کنند. شوراهای سازماندهی اعتراضات در این زمینه میتوانند نقش مهمی ایفا کنند.

**بهروز مهرآبادی:** به تشکیل واحدهای حزب اشاره کردید. این سیاست جدیدی است یا تاکیدی ویژه است؟ چرا؟

**اصغر کریمی:** تشکیل واحدهای حزب از بدو فعالیت حزب در دستور حزب بوده است، در نشریات و رسانه های حزب به تفصیل درمورد حوزه ها یا واحدهای حزب بحث شده و فعالین حزب تشویق شده اند که این تشکل های پایه را در محل کار یا زندگی خود ایجاد کنند. به این معنی سیاست جدیدی نیست. اما اوضاع و احوال امروز با گذشته بسیار متفاوت است. در ماههای اخیر پلاتفرم سازماندهی در ایران بازبینی شد و ساختار دادن به تشکیلات حزب در داخل و ایجاد واحدهای حزب مورد تاکید جدی قرارگرفت. امروز نه تنها توازن قوای میان حکومت و مردم عوض شده و بسیاری از تصمیمات که پنج سال قبل برای مردم عملی نبود عملی شده است، بلکه گرایش چپ در جامعه قوی تر شده و روی آوری به حزب زمینه وسیعتری پیدا کرده است. حزب باید بسیار فعال تر و همه جانبه تر به استقبال این شرایط برود و سازمان خود را گسترده تر کند. اعضای جدید بگیرد و اعضای فی الحال حزب که بخشا در واحدهایی متشکل نیستند را متشکل کند، به کمک خود اعضا و واحدها، عضو جدید بگیرد و واحدها را تکثیر کند. تنها در این صورت است که میتوان آموزش واحدها و اعضای جدید را سازمان داد، آنها را ارتقا داد و ظرفیت شان را بالا برد. این سیاست تا همینجا بسیار نتیجه بخش بوده است. تک تک فعالین حزب لازم است این امر را در دستور خود قرار دهند و بسرعت سازمان حزب را در هرکجا هستند،‌ در هر کارخانه و دانشگاه و مدرسه و اداره ای و در محیط زندگی خود گسترش دهند. سازمان حزب در داخل کشور باید یک ستون عملی کردن فراخوان های حزب باشد و هرچه سازمان حزب وسیعتر و مستحکم تر باشد سیاست ها و فراخوان های حزب با قدرت بیشتری عملی میشود.

**بهروز مهرآبادی:**

حزب از طریق تلویزیون کانال جدید و مدیای اجتماعی مخاطبین زیادی در داخل ایران دارد و تعداد کسانی که تحت تاثیر سیاست های حزب هستند و به حزب جذب میشوند کم نیست. اینها حتی میتوان گفت اعضای حزب هستند بدون اینکه امکان تماس مستقیم به حزب را داشته باشند؛ فراخوان شما به این طیف از دوستان حزب چیست؟

**اصغر کریمی:** امروز هر کس بخواهد با حزب تماس بگیرد، امکانش را دارد. حزب سابقه طولانی از فعالیت دارد، ۱۴ سال است از طریق یک تلویزیون پر بیننده با مردم در تماس است. و امروز که تقریبا همه مردم در مدیای اجتماعی حضور دارند و همینطور از طریق کمپین های قدرتمند حزب، رهبران شناخته شده حزبی و ادبیات منسجم حزب، آشنایی بیشتری با حزب پیدا کرده اند و تحت تاثیر حزب هستند. این طیف بطور واقعی اعضای حزب هستند، کم و بیش در همه جا هستند و نیروی بزرگی به حساب میایند. اما بخش قابل توجهی از آنها در جمع و واحدی متشکل نیستند. کادرها و فعالین حزب مدام به این آدم ها برمیخورند و باید بدون هیچ معطلی به فکر سازماندهی آنها، آموزش و ارتقای آنها و فراهم کردن امکان تماس آنها با کمیته های حزب در خارج باشند.

گسترش و تحکیم سازمان حزب در داخل یک امر فوری و حیاتی است. زمینه آن از همیشه بیشتر است. طبقه کارگر و کل جامعه بیش از هر زمان به آن نیاز دارد. طیف وسیعی از مردم ذهنیت کاملا چپی دارند و مسائل سیاسی و اجتماعی را طبقاتی و با دیدی چپ بررسی میکنند. مذهب را ابزار مفتخوری میدانند و توجیهات آیت الله ها درمورد فقر و نابرابری دیگر پشیزی برای آنها ارزش ندارد، ریشه تن فروشی و اعتیاد را فقر و محرومیت میدانند نه انحراف فردی آدم ها، ارگان های نظامی را ابزار سرکوب خود میدانند، ارگان های حکومتی را ابزار دست سرمایه داران برای استثمار بیشتر میدانند،‌ علیه حقوق های نجومی و ملک های نجومی بعنوان یکی از دلایل فقر و محرومیت خود شعار میدهند. میلیون ها نفر اینطور فکر میکنند یعنی چپ هستند یعنی کمونیست هستند، یعنی بالقوه عضو حزب و در یک قدمی تبدیل شدن به یک کمونیست پرشور هستند. اینها همه جا هستند. باید بسرعت با آنها رابطه فعالی برقرار گرفت و آنها را به سطح اعضای حزب ارتقا داد و جمع ها و واحدهای حزبی را در میان آنها ایجاد کرد.

در همه زمینه هایی که در اینجا مورد بحث است، نقش مدیای اجتماعی را باید بسیار جدی گرفت. بدون استفاده از مدیای اجتماعی ابعاد کار بسیار محدودتر خواهد بود.

خلاصه کنم شکل دادن به اعتصابات سراسری و تشکل های سراسری کارگری و یا شوراهای کارگری، شکل دادن به تشکل های مبارزاتی توده ای مثل شوراهای سازماندهی اعتراضات، سرپیچی از پرداخت هزینه خدمات و تحکیم و گسترش سازمان حزب در داخل مصاف های مهم حزب و جامعه است باید با تمام قوا به استقبال آنها رفت.

و بالاخره روی صحبتم با کمونیست ها و سوسیالیست ها است. یک راه موثر و مهم تقویت مبارزه علیه جمهوری اسلامی و تقویت قطب چپ در مقابل راست، متشکل کردن مردم است. مردم را باید هرچه بیشتر سازمان داد. دوره سازماندهی و سازمانیابی است و شما حتی اگر انتخاب حزبی خاصی نکرده اید، اما عرصه سازماندهی تشکل های توده ای و کارگری امر مهمی است که در مقابل شما است. فراخوان من به شما این است که این امر را جدی بگیرید. هر کدام از شما میتوانید نقش مهمی در این زمینه ایفا کنید. طوفان مبارزه در راه است و انتظار میرود که با تمام قوا در صف اول تلاش برای سازماندهی قرار بگیرید. جامعه امروز تشنه سازماندهی است.